

بررسی تعویق صدور حکم محکومیت کیفری از منظر حقوقی و اخلاقی

سحر قاسمی گرمی، دکتر اکبر وروایی*، دکتر محمد جواد جعفری

گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱، تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲)

چکیده

زمینه: از اهداف سیاست گذاران جنایی در اعمال پاسخ‌های کیفری، بازپروری بزه‌کار جهت اجتناب از تکرار جرم اوست. هدف از این پژوهش پیدا کردن پاسخ برای این سوال است که آیا در نظر گرفتن این شرط اخلاقی مورد قبول سیستم حقوق کیفری ایران می‌باشد یا خیر و یا آیا در سایر کشورها از جمله کشور ترکیه که به نوعی این شرط پذیرفته شده‌ایا موفق بوده است یا خیر.

نتیجه‌گیری: تعویق صدور حکم نهادهی است که می‌تواند اهداف مدنظر آنان را در اصلاح مجرمین محقق سازد و به تأسی از حقوق فرانسه به نظام کیفری ایران وارد شده است. هدف اصلی این مقاله، تبیین نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران از منظر اخلاقی و حقوقی می‌باشد. پژوهش از لحاظ هدف، جزء تحقیقات کاربردی مسأله محور و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای بوده، اطلاعات جمع‌آوری شده نیز به روش تحلیلی و توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در برخی از کشورها شرط اخلاقی، موافقت متهم با قرار تعویق را تصریح نموده، اما در مواردی به جای ذکر شرایط صدور قرار تعویق، با ارائه ضابطه، تشخیص انطباق آن را با خصوصیات مرتکب و اوضاع جرم ارتكابی به عهده مقام صادرکننده قرار نهاده است، در حالی که قانون مجازات اسلامی، علی‌رغم عدم تصریح بر رضایت متهم، شرایط نهاد تعویق صدور حکم را دقیق‌تر احصاء نموده است. در این پژوهش نتایج نشان داد در سیستم حقوقی اخلاق جایگاه ویژه‌ای دارد و این امر همواره مورد پذیرش واقع شده است.

کلیدواژه‌گان: اخلاق، تعویق صدور حکم، اصلاح و بازپروری، برجسب مجرمانه، حقوق ایران.

سر آغاز

همپای تحولاتی که در مفهوم، دامنه، نوع و کیفیت « جرم » و « بزه کاری » در سده‌های اخیر رخ داده و دولت‌ها را با بزه کاری نوین که پیچیده و متفاوت از گذشته است رو به رو کرده « واکنش اجتماعی علیه جرم » نیز به تناسب، شاهد دگرگونی‌های وسیعی بوده است (۱). بررسی واقعیات جوامع مبین آن است که تنبیه و ارباب صرف، در کاهش پدیده مجرمانه، الگویی ناقص و شکست خورده است و امروزه سیاست گذاران جنایی از راهبردهای جدیدی برای پاسخ دهی به پدیده مجرمانه استفاده می‌کنند. لذا تا هنگامی که فرد بزه کار از طرق دیگر به هدف اولیه اعمال کیفر نائل می‌آید، ضرورتی به استفاده از کیفر دیده نمی‌شود (۲).

به این صورت که برای پاسخ دهی به شماری از گونه‌های بزه کاری و برخی بزه کاران، می‌توان از روش‌های نوپدید حتی با ماهیت غیرقهرآمیز^۱ بهره جست (۳). روآوری به این راهبرد از دلایل متعددی سرچشمه می‌گیرد که پاسخ دهی سریع به شماری از گونه‌های بزه کاری (جرم‌های سبک) و برخی از مجرمان (بزه کاران بدون سوء پیشینه^۲، کودکان بزه کار)، پیش گیری از زدن برجسب مجرمانه^۳ به

مرتکبان جرم، کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری از جمله‌ای آن‌ها به شمار می‌روند (۳). تعویق صدور حکم^۴ نیز از نهادهای نوینی است که در راستای سیاست اصلاحی و درمانی تأسیس شده و امکان بازپروری بزه کار را با حضور در اجتماع فراهم می‌سازد. امروزه نظام عدالت کیفری با بهره گیری از یافته‌های نوین سیاست جنایی و پیدایش رویکردهای جدید جرم شناسی، ناکارآمدی واکنش‌های کیفری رسمی، از جمله مجازات‌های سالب آزادی^۵ و لزوم توسل به شیوه‌های غیرقضایی حل و فصل اختلاف^۶ را پررنگ تر کرده است. این به نوبه خود دارای دو بعد اخلاقی است یکی پر رنگ شدن سمبل‌های اخلاقی نیک از جمله گذشت و رحم و همچنین از بعد دیگر اخلاقی توجه به اخلاقیات و احترام به آزادی و حقوق شهروندان نسبت به جرم‌های ناگهانی و هیجانی که ممکن است حتی توسط افراد قانونمند و اخلاق مدار رخ دهد.

با توجه به ناتوانی واکنش‌های رسمی در برآوردن اهداف مجازات‌ها، از جمله بازپروری و اصلاح مجرمان و جلوگیری از تکرار جرم^۷ به همراه امتیازهای متعدد روش‌های قضادایی^۸، لزوم محدودسازی دامنه مداخله حقوق کیفری بیش تر احساس می‌شود (۴).

شماره‌ی ۵۵۶۰، به عنوان یک نهاد قابل اعمال در خصوص بزرگ سالان نیز پیش بینی شده است (۱۲).
 قانون مجازات اسلامی نیز با تأسی از قانون گذار فرانسوی، هیچ تفکیکی میان کودکان با مسئولیت کیفری و بزرگسالان قائل نشده است، جز در ماده‌ی ۹۴ ق.م.ا که از اطفال و نوجوانان حمایت بیشتری به عمل آورده است.

اهداف نهاد تعویق صدور حکم

نخست) تعویق؛ نهادی در راستای اصل فردی کردن مجازات‌ها

با ظهور مکتب دفاع اجتماعی نوین، توجهات خاصی نسبت به فرد بزه کار^{۱۲} پدید آمد. بحث لزوم تشکیل پرونده‌ی شخصیت مجرم سبب شد تا فردی کردن کیفر بیش از آن چه در مکتب تحقیقی مطرح شده بود، نضج گیرد. « اصل فردی کردن کیفر» به دنبال تطبیق هر چه بیش تر مجازات با شخصیت مجرم است تا بتوان در پرتو آن، به «اصلاح» مجرم و در نتیجه، کاهش پدیده‌ی مجرمانه نائل آیم (۱۳).

نهاد تعویق صدور حکم، یکی از شیوه‌های پیش بینی شده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که در جهت سیاست تفرید مجازات‌ها در مرحله‌ی دادرسی گام برمی دارد. به این ترتیب دادگاه با ملاحظه‌ی وضعیت فردی و اجتماعی و همچنین اوضاع و احوالی که شخص مرتکب جرم شده است، این اختیار را دارد که با اعمال این نهاد، در تعیین کیفر برای مجرم شتاب نکند. همچنین استفاده از چنین نهادی افزون بر کاهش هزینه‌های اقتصادی، مانع تحمیل هزینه‌های سیاسی بر دولت‌ها نیز می‌شود چرا که در روابط بین دولت‌ها، حقوق بشر معیار و چوب خطی برای قضاوت درباره‌ی کارنامه‌ی آن هاست. بنابراین هر چه حقوق کیفری و آیین دادرسی یک کشور، خشن و تند باشد، آن دولت در کارنامه‌ی خود کاهش امتیاز خواهد داشت (۱۴).

دوم) تعویق؛ نهادی در پرتو قراردادی شدن حقوق کیفری و ورود اخلاقیات در آن

«قراردادی شدن حقوق کیفری»، راهبرد نوین سیاست جنایی است که به موجب آن مقام قضایی و بزه کار در خصوص تعیین سرنویشت دعوی کیفری با یکدیگر توافق می‌کنند. راهبرد مذکور از گذر گسستن انحصار رویکرد کیفرگرا، سامانه‌ی پاسخ‌ها را در عرصه‌ی سیاست جنایی به سمت اصلاح‌گرایی متنوع ساخته است (۱۴). به این ترتیب قضاوت می‌تواند در مرحله‌های پیش دادرسی، دادرسی و پسا دادرسی با توجه به معیارهای متعدد از جمله وضعیت فردی و محیطی بزه کاران، پاسخ‌های متنوعی را برگزیند. این تنوع در پاسخ‌ها موجب می‌شود تا قضاوت بتواند تصمیمی واقعی تر و مناسب تر برای رعایت بیش تر مصالح بزه کاران و منافع جامعه اتخاذ کنند (۱۵). نهاد تعویق صدور حکم با عدول از اصل لزوم صدور حکم پس از بررسی پرونده، این اختیار را به قضاوت می‌دهد تا در مرحله‌ی دادرسی با اتخاذ رویکردی مصلحت^{۱۳} سنجانه در ارتباط با مجرمین غیر خطرناک، این نهاد را درباره‌ی آن‌ها اعمال کند. زیرا هدف

لذا در جرم شناسی نوین که هدفش بر محدودسازی نظام کیفری رسمی استوار بوده و عدالت ترمیمی و استحقاقی را مبنای کار خود قرار داده است، یکی از این عوامل جهت عدالت ترمیمی^{۱۴}، نهاد تعویق صدور احکام کیفری است که به تأسیسی از حقوق کشورهای غربی به ویژه فرانسه وارد سیستم جنایی کشور ایران شده است (۵).

مفهوم تعویق صدور حکم محکومیت کیفری

کلمه‌ی تعویق به معنای « بازداشتن، عقب انداختن و تأخیر و درنگ کردن در کاری» است (۶). اگرچه در قانون مجازات اسلامی تعریفی از این نهاد ارائه نشده است، باید گفت « تعویق صدور حکم در اصطلاح به معنای اختیار دادگاه صالح در به تأخیرانداختن صدور حکم بعد از مجرم شناختن بزه کار است» (۷).

بر اساس نظام حقوق کیفری ترکیه نیز، تعویق صدور حکم بدین معنی است که « پس از انجام محاکمه در مورد متهم و احراز مجرمیت^{۱۵} وی توسط دادگاه، تحت شرایط معینی، صدور حکم به تعویق بیفتد. » همچنین متهم در طی مدت تعویق، تحت دوره‌ی نظارت قرار می‌گیرد و در صورت رعایت شرایط پیش بینی شده، از صدور حکم محکومیت به طور کامل صرف نظر می‌شود (۸).

پیشینه‌ی نهاد تعویق صدور حکم

تعویق صدور حکم به عنوان جایگزینی برای کیفر، با ویژگی اجتماع محوری، نهاد تازه تأسیسی در حقوق ایران است که در مقایسه با نظام حقوقی ترکیه به عنوان یکی از کشورهای که به گفته برخی از حقوقدان‌ها در آن برای تاسیس‌های نهادهای حقوقی اخلاقیات^{۱۱} بیشتر از سایر کشورها رعایت گردیده است؛ از پیشینه‌ی کم تری برخوردار است. اولین بارقه‌های توجه به نهاد تعویق صدور حکم، در ماده‌ی ۲۵ لایحه‌ی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان دیده می‌شود (۹). هر چند این لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید، اما نظر سیاست گذاران جنایی را به خود جلب کرد تا این که در نهایت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده و از نوآوری‌های این قانون به شمار می‌آید. این نهاد از حقوق کشورهای غربی و به طور مشخص از نظام حقوقی فرانسه، به شرح مواد (۶۰ تا ۱۳۲) به بعد قانون جزای فرانسه اقتباس شده است (۱۰).

نهاد تعویق صدور حکم در نظام حقوق کیفری ترکیه نیز، اولین بار در سال ۲۰۰۵ میلادی، در ماده‌ی ۲۳ قانون شماره‌ی ۵۳۹۵ حمایت از کودکان، فقط در مورد متهمان کم تر از ۱۸ سال پیش بینی شده بود (۱۱).

سپس به موجب قانون شماره‌ی ۵۵۶۰، تبصره‌هایی به ماده‌ی ۲۳۱ قانون محاکمه‌ی جزایی شماره‌ی ۵۲۷۱ الحاق شده و شرایط مربوط به تعویق صدور حکم، به شکل وسیعی دوباره پیش بینی شد. بنابراین در حالی که از منظر قانون حمایت از کودکان، تعویق صدور حکم، به عنوان نهادی قابل اعمال فقط در مورد اطفال می‌باشد، به موجب قانون

افراد جامعه مؤثر باشد و این امر زمانی حساس تر می‌شود که پای یک طفل در میان باشد. نهاد تعویق صدور حکم برخلاف تعلیق اجرای مجازات از مجرم خطاب کردن بزه کار توسط جامعه، ممانعت به عمل می‌آورد زیرا در تعلیق اجرای مجازات، فرد، مجرم و محکوم است و تنها مجازات وی به حالت تعلیق درآمده است در حالی که در تعویق صدور حکم، حکم محکومیتی صادر نشده است تا جامعه بتواند فرد خاطی را مجرم قلمداد نماید. این نوع تعدیل منطقی موقعیت کیفر، با سیاست جنایی اسلام نیز همسو است که به موجب آن، ضمن حفظ واکنش‌های سرکوب گر در متون قانونی، با تمسک به تأسیسات و گریزگاه‌های متعدد، از اجرای کیفر، دوری می‌شود. در پایان این گفتار ذکر این نکته حائز اهمیت است که تعویق صدور حکم به هیچ وجه از زمره‌ی جان‌شینان کیفر نیست، بلکه از مقوله‌ی غمض عین است و در آن چشم پوشی از دادنامه، جنبه‌ی مشروط دارد (۲۰).

مقایسه‌ی انواع تعویق صدور حکم در ایران و ترکیه از نظر قانونی و اخلاقی

تعویق در هر دو نظام حقوقی می‌تواند به شکل ساده یا مراقبتی باشد. در این خصوص ماده‌ی ۴۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «تعویق به شکل ساده یا مراقبتی است.»

تعویق ساده

طبق بند (الف) ماده‌ی ۴۱ ق.م.ا: «در تعویق ساده مرتکب به طور کتبی متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به وسیله‌ی دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه‌ی رفتار وی پیش بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود». بنابراین در تعویق ساده، مجرم صرفاً متعهد می‌شود که در مدت تعیین شده مرتکب جرم نشود و دادگاه نیز هیچ نوع تکلیفی از وی مبنی بر انجام دستورهای خود تقاضا نمی‌کند.

همچنین ماده‌ی (۲۳۱/۸) قانون محاکمه‌ی جزایی ترکیه مقرر می‌دارد: «در صورت صدور قرار تعویق صدور حکم، متهم به مدت ۵ سال تحت دوره‌ی نظارت قرار می‌گیرد. در طول این مدت، با این شرط که بیش از یک سال نباشد، با مدت تعیین شده از سوی دادگاه ممکن است به عنوان تدبیر آزمایشی، برای متهم نسبت به موارد زیر رأی داده شود...» مفهوم مخالف جمله‌ی مذکور آن است که دادگاه ممکن است هیچ نوع دستوری به مجرم در مدت تعویق ندهد که این همان تعویق ساده‌ی مقرر در بند (الف) ماده‌ی ۴۱ ق.م.ا است (۱۲).

همانطور که مشخص است در هر دوی این مواد هیچ اشاره‌ای به اخذ رضایت از مجرم نشده است و به نوعی اصول اخلاقی که اولین اصل آن بر خورداری از انتخاب برای شهروندان است در هیچ یک از این مواد ذکر نشده است این در حالی است که طبق اصول اخلاقی هر انسانی ولو مجرم باید بای خویش قدرت انتخاب داشته باشد.

تعویق مراقبتی

مطابق بند (ب) ماده‌ی ۴۱ ق.م.ا، برخلاف تعویق ساده «در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورها و

از این شیوه‌ی رسیدگی که بیش تر جنبه‌ی افقی به خود می‌گیرد تا جنبه‌ی عمودی و تحمیلی، ترمیم آثار جرم و رعایت مصلحت بزه کار است، تا به کیفر رساندن آن‌ها. (۱۳). در ماده‌ی ۲۳۱/۶ قانون محاکمه‌ی جزایی ترکیه، به منظور صدور قرار تعویق صدور حکم، شرط قبول اعمال این نهاد از سوی متهم قید شده است و دادگاه در صورت عدم رضایت متهمی که در خصوص عدم ارتکاب جرم از سوی او اطمینان حاصل نموده، حتی در صورت وجود سایر شرایط، نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم صادر نماید (۱۱).

سوم) تعویق؛ نهادی در جهت قضازدایی

با توجه به آن که در بسیاری از جرایم نمی‌توان دست به «جرم زدایی» زد، دولت‌ها ترجیح می‌دهند با استفاده از «قضازدایی»، از درگیر شدن مرتکبین در فرآیند عدالت کیفری ممانعت به عمل آورند یا در صورت ورود به این فرآیند، از ادامه‌ی مسیر، جلوگیری یا آن را به سمتی مناسب تر منحرف^{۱۴} کنند. شیوه‌های نوین قضازدایی به دنبال آن هستند که نه تنها از ورود به سیستم عدالت کیفری جلوگیری به عمل آورند بلکه با ارائه‌ی راه کارهای اجتماعی به رفع اختلال ایجاد شده از جرم یا ترمیم رابطه‌ی اجتماعی بپردازند (۱۶). نهاد تعویق صدور حکم منجر به قضازدایی می‌شود، چرا که دادگاه پس از احراز مجرمیت فرد خاطی بلافاصله کیفر را در ارتباط با او اعمال نمی‌کند بلکه برای مدتی صدور حکم مجازات وی را معلق می‌نماید. هم چنین، اگر دستگاه عدالت کیفری را از زمان کشف جرم تا زمان اجرای مجازات و حتی مراقبت‌های بعد از خروج درگیر باشد، با استفاده از چنین نهادهای حمایتی، بار دستگاه عدالت کیفری کاهش پیدا خواهد کرد.

چهارم) پیش گیری از برچسب زنی (لیبل اخلاقی)

«جرم شناسی تعامل گرا»^{۱۵} به تعامل موجود میان فرد و جامعه می‌پردازد و در شکل گیری رفتار افراد، ارزش زیادی برای جامعه قائل است. این نوع جرم شناسی به پدیده‌ی رقم سیاه در آمار بزه کاری و مفاهیم «برچسب زنی» و «لکه دار ساختن» اجتماعی توجه دارد. در نظریه‌ی برچسب زنی، قانون به سود کسانی دانسته می‌شود که قدرت اجتماعی و اقتصادی را در دست دارند و همین امر به زیان طبقات محروم جامعه و اقلیت هاست زیرا وقتی صاحبان قدرت (مانند قضات، والدین، پلیس، معلمان و...) تصمیم بگیرند، می‌توانند به یک شخص برچسب مجرم بزنند و او را به صورت مجرم درآورند (۱۷). پس از آن که شخصی از سوی جامعه برچسب خورد و آن را پذیرفت، براساس آن، تصویر شخصی خویش را تغییر می‌دهد و خودانگاره‌ی مجرمانه در وی شکل می‌گیرد (۱۸). پس از قبول این خود انگاره‌ی مجرمانه، ممکن است شخص برای مطابقت هرچه بیش تر با این نقش، به سوی نقش‌های مجرمانه‌ی بیش تری سوق داده شود. برای نمونه ممکن است شخص با رهایی از زندان به خاطر محکومیت کیفری، نتواند کار مشروعی به دست آورد و برای بقای حیات، دوباره به ارتکاب جرم دست بزند که این خود منجر به آن می‌شود که با افراد دیگری که مانند خود برچسب خورده اند معاشرت کنند (۱۹). بدین ترتیب مشخص می‌شود که تا چه اندازه تصمیمات کارگزاران عدالت کیفری می‌تواند در آینده‌ی

شود...» (۱۱) بنابراین در حقوق جزای ترکیه نیز، از این نهاد تنها در ارتباط با مجرمین غیرخطرناک استفاده می‌شود. (۲۲)

فقدان سابقه کیفری مؤثر

در هر دو نظام حقوقی ایران و ترکیه، سابقه ارتکاب پاره‌ای از جرایم، باعث محرومیت مرتکب در بهره مندی از این نهاد سودمند می‌شود. همان طور که پیش تر اشاره شد، نهاد تعویق صدور حکم در ارتباط با مجرمین غیرخطرناک اعمال می‌شود. داشتن سابقه کیفری مؤثر، نشان از خطرناک بودن مجرم دارد (۲۳). در نتیجه چنین مجرمی دارای ظرفیت جنایی بالاست و نمی‌توان اقدامات ارفاقی نظیر نهاد مذکور را در حق وی اعمال کرد (۲۴). به همین خاطر است که قانون گذار در بند (ت) ماده‌ی ۴۰ ق.م.ا، «فقدان سابقه کیفری مؤثر» را یکی از شرایط صدور قرار تعویق صدور حکم دانسته است. تبصره‌ی ماده‌ی ۴۰ ق.م.ا در بیان سابقه کیفری مؤثر، این گونه اشعار می‌دارد: «محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، براساس ماده‌ی (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.» هم چنین در قانون محاکمه‌ی جزایی ترکیه، یکی از شرایط صدور قرار تعویق صدور حکم، براساس بند (a) تبصره‌ی ۶ ماده‌ی ۲۳۱، این است که متهم از قبل به خاطر یک جرم عمدی محکوم نشده باشد. - جرایم مندرج در قوانین انقلاب که در اصل ۱۷۴ قانون اساسی مورد حمایت قرار گرفته است. (ماده‌ی ۲۳۱/۱۴ قانون محاکمه‌ی جزایی) در پایان این بند، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که ماده‌ی ۴۰ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند». بنابراین صدور قرار تعویق صدور حکم از اختیارات دادگاه است. به این معنا که تعویق صدور حکم حق بزه کار نیست بلکه اختیاری در دست دادگاه است و در این مورد دادگاه تکلیفی ندارد. در حالی که در قانون محاکمه‌ی جزایی ترکیه، در صورت عدم قبول متهم، نسبت به تعویق صدور حکم رأی داده نمی‌شود.

نتیجه گیری

نهاد تعویق صدور حکم، نهادی است که با عدول از اصل لزوم رسیدگی به پرونده، پس از بررسی ادله‌ی مطروحه، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده است و با توصیه‌ها و اندیشه‌های جرم شناسان مبنی بر عدالت ترمیمی و استحقاقی، هماهنگ و همسو می‌باشد؛ هم چنین مهر تأیید خود را از منظر فقهای امامیه دریافت نموده است. چه آن که قاعده‌ی «التعزیر بمایراه الحاکم» بر نهاد فوق حکومت می‌کند. بنابر این قاعده قاضی در تعیین کمیت و کیفیت تعزیر اختیار دارد. نهاد فوق با دنباله روی از سیاست کیفرزدایی از جرایم کم اهمیت، درصدد کاهش احتمال الصاق برچسب مجرمانه به ویژه بر بزه کاران کم خطر می‌باشد. زیرا با تعقیب این هدف، ضمن متنبه شدن مجرم و تبدیل وی به شهروندی قانون مدار در دوران تعویق مراقبتی به جهت اعمال تدابیر مناسب، از حضور فرد هرچند در مدت زمان اندک، در سیستم عدالت کیفری نیز جلوگیری به عمل خواهد آمد. جایگاه نهاد تعویق صدور حکم در پرتو الگوهای نظام عدالت کیفری (الگوی کنترل

تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد». بنابراین در دوره‌ی تعویق آزمایشی^۶، مجرم دارای آزادی مطلق نیست بلکه دادگاه می‌تواند وی را به اجرای تدابیر یا دستورهایی که بیش تر جنبه‌ی تأمین و بازدارنده دارد، مکلف کند. هدف اصلی از دستورهای دادگاه نیز کنترل و نظارت بر رفتار مجرم در طول دوره‌ی آزمایشی است (۵). در این نوع تعویق، مرتکب متعهد به رعایت تدابیر مورد نظر دادگاه در مدت تعویق است. همچنین ممکن است به اجرای دستورهایی نیز ملزم شود:

مقایسه‌ی شرایط اخلاقی و قانونی تعویق صدور حکم در

ایران و ترکیه

مطابق ماده‌ی ۴۰ ق.م.ا «... دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم، با ملاحظه‌ی وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر، صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد» این شرایط عبارتند از:

سبک بودن جرم ارتكابی

صدور قرار تعویق صدور حکم، تنها در جرایم موجب تعزیر امکان پذیر است. بنابراین مجازات‌های شرعی حد، قصاص و دیه، غیرقابل تعویق هستند. علاوه بر این، صرف تعزیری بودن جرم ارتكابی کافی نیست بلکه همان طور که در صدر ماده‌ی ۴۰ ق.م.ا مقرر شده است: «در جرایم موجب تعزیر درجه‌ی شش تا هشت...» است که دادگاه مجاز به استفاده از چنین نهادی است. با ملاحظه‌ی مجازات‌های مندرج در درجه‌های شش تا هشت اینگونه دریافت می‌شود که قانون گذار، استفاده از نهاد تعویق حکم را تنها در ارتباط با جرایم کم اهمیت به مصلحت دانسته است زیرا چنین مجرمینی دارای ظرفیت بزه کارانه‌ی بالایی نیستند و جامعه نیز از صدمات وارده‌ی ناشی از آن، متضرر نمی‌شود. همان طور که پیش تر اشاره شد، قانون گذار به لحاظ وضع خاص اطفال و نوجوانان از آن‌ها حمایت بیشتری به عمل آورده است زیرا این دسته از مجرمین، حتی در صورت ارتکاب تمامی جرایم موجب تعزیر، همچنان قابلیت برخوردارگی از این تأسیس را دارا هستند. لازم به توضیح است که مدرج سازی صورت گرفته در ماده‌ی ۱۹ ق.م.ا حکایت از در پیش گرفتن نوعی سیاست جنایی مبتنی بر اولویت بندی مجازات‌ها دارد که مطابق آن تلاش دستگاه عدالت کیفری در جهت مقابله با جرایم مهم تر است. (۲۰). در پاسخ به این پرسش که آیا اقدامات تأمینی و تربیتی به حالت تعویق در می‌آیند یا خیر باید گفت، نخست این نوع تدابیر ماهیت مجازات ندارند دوم، هدف غایی چنین اقداماتی بازپروری و احیای اخلاقی مجرمین است. بنابراین اقدامات تأمینی و تربیتی مشمول چنین ارفاقی نخواهد شد (۲۱). براساس تبصره‌ی ۵ ماده‌ی ۲۳۱ قانون محاکمه‌ی جزایی ترکیه، اصلاحی سال ۲۰۰۸ «اگر مجازات مورد حکم در پایان محاکمه‌ی انجام شده به خاطر جرم ارتكابی متهم، جزای نقدی و یا حبس به مدت دو سال و یا کم تر از آن باشد ممکن است از سوی دادگاه قرار تعویق صدور حکم صادر

16. Trial snooze
17. Special rules

تعویق آزمایشی
قوانین خاص

References

1. Ashoori M. (2003). Prison alternatives or intermediate punishment. 3rd ed. Tehran: Publication of Orientation. (In Persian).
2. Jareborg N. (2005). Criminalization as the last resort. OHIO State Journal of Criminal Law; 2(1).
3. Nizipur A H. (2017). From criminal law to criminal law. Journal of Criminal Law; 1: 49-66. (In Persian).
4. Foroughfar J. (2007). The role of the judiciary in reducing the prison population. Proceedings of the conference on reducing the prison population. 1st ed. Tehran: Publication of The Scale.
5. Freud A. (2018). Normality and pathology in childhood: Assessments of development. USA: Routledge.
6. Milani M M. (2018). The making of Iran's Islamic revolution: from monarchy to Islamic republic. USA: Routledge.
7. Grant W. (1988). Sentence delinquent psychiatric recommendation. USA: Psychiatric Bulletin.
8. İçel K. (1977). Hürriyeti bağlayıcı cezalara seçenek olan müesseselerdeki gelişmeler ve türk ceza sisteminin bu yönden değerlendirilmesi. Istanbul: S Publication. P.321.
9. Golvost Jouibari R, Moradian M. (2015). Deferment of the sentence in Iranian and French law. Quarterly Journal of Legal Research; 18(70): 137-167. (In Persian).
10. Mosaddeq M. (2013). Explanation of the Islamic penal code. 3rd Ed. Tehran: Forest Publishing.
11. Alçiçek M, Feyzioğlu M. (2016). Hükümün Açıklanmasının Geri Birakılması. Yüksek Lisans Tezi, Ankara Üniversitesi. Ankara: Sosyal Bilimler Ensty.
12. Pekdincer RT. (2015). The concept of injured persons in trademark invalidation actions in the light of the precedents of the court of cassation. J. Com. & Intell. Prop. L; 157.
13. Shams ME. (1996). legal-criminological analysis of impunity. Criminal Law Research; 6(22). (In Persian).
14. Najafi Ebrahbandadi AH. (2007). Social punishment in the bill of the law on social penalties replacing prison: a way to reduce the prison population. Proceedings of the conference on reducing the prison population. 1st ed. Tehran: Publication of The Scale. (In Persian).
15. Nizipour AH. (2013). Criminal procedure agreeing. 2nd Ed. Tehran: Publishing the Amount. (In Persian).
16. Rahijanasl M. (2018). Explaining the strategy of retarding or limiting the scope of criminal law intervention and its place in Iran. Journal of Justice and Law of Justice; 41: 93-118. (In Persian).

جرم و الگوی دادرسی عادلانه) نیز قابل ملاحظه است.. از جمله نکات مثبت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، آن است که در تمام جرایم تعزیری ارتكابی از سوی اطفال بزه کار، نهاد فوق مورد پذیرش واقع شده، لیکن در رابطه با بزرگسالان در جرایم تعزیری سبک، آن هم از درجه‌ی شش تا هشت مورد پذیرش قرار گرفته است. در حالی که بهتر بود این امر به اختیار قاضی واگذار شود تا با در نظر گرفتن نتیجه‌ی هر جرم بر نظم اجتماع و سایر اوضاع و احوال و وضعیت شخص بزه کار، بتواند صدور حکم کیفری را به تأخیر بیندازد. از دیگر نوآوری‌های مثبت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که در نهاد تعویق صدور حکم نیز نمایان بوده و به عنوان یکی از مبانی توجیهی نهاد فوق به شمار می‌آید، بهره‌گیری از تجارب ارزنده‌ی مددکاران اجتماعی در فرآیند کیفری می‌باشد. چه آن که استفاده‌ی قاضی دادگاه از اطلاعات علمی جامعه‌شناسان، مددکاران اجتماعی و دیگر متخصصان فنی به جهت اشراف بیش‌تر بر ابعاد شخصیتی بزه کاران، ضمن افزایش اعتماد فزاینده به قضات، موجبات قضاوت بهتر را فراهم می‌آورد. زیرا مددکاران براساس یکی از اصول امر مددکاری، ملزم به تشکیل پرونده‌ی شخصیت که حاوی اوضاع و احوال مرتکب چه از لحاظ خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و... به انحاء مختلف می‌باشند. پس می‌توان پیش‌بینی چنین نهادی را به فال نیک گرفت. منتها تشکیل پرونده‌ی شخصیت حسب قوانین جاری ایران صرفاً در خصوص اطفال و نوجوانان الزامی دانسته شده (ماده‌ی ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) و در ارتباط با جرایم ارتكابی از ناحیه‌ی بزرگسالان تاکنون ماده‌ای از مواد قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، تکلیفی بر عهده‌ی قاضی نگذاشته است.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

| | |
|---------------------------|----------------|
| 1. Fierce | قهر آمیز |
| 2. Suppository | سوء پیشینه |
| 3. Criminal | مجرمانه |
| 4. Postponing the verdict | تعویق صدور حکم |
| 5. Release year | سلب آزادی |
| 6. Difference | اختلاف |
| 7. repeat offense | تکرار جرم |
| 8. Deportation | جرم زدایی |
| 9. Restorative justice | عدالت ترمیمی |
| 10. Conviction | احراز مجرمیت |
| 11. Ethics | اخلاق |
| 12. Crime | بزه |
| 13. Expedient | مصلحت |
| 14. Deviant | منحرف |
| 15. Transactional | تعامل‌گرا |

22. Ahangar N, Rasoli R, Darvesh H, Asadi M. (2018). Ethical necessity of explaining the model of democratic citizenship in Iranian public organizations. *Ethics in Science and Technology*; 13 (3): 138-145. (In Persian) .
23. Nikvarz T, Afraseabi F. (2018). Explaining the effective factors on citizenship ethics. *Ethics in Science and Technology*; 13 (3): 40-47. (In Persian).
24. Aghighi A. (2017). Relationship between Some ethical variables on organizational health. *Ethics in Science and Technology*; 11 (3):97-107. (In Persian).
17. Asgari H, Mohammadali S. (2012). Comments must comply with the court of forensic medicine. *Advances in Environmental Biology*; 6(3): 1216-1219 .(In Persian).
18. Siegel L. (2012). *Criminology: theories, patterns, and typologies*. USA: Nelson Education.
19. Volod G, Thomas B, Snape J. (2018). *Theoretical criminology*. Translated by: Shojaee A. Tehran: SAMT Publication. (In Persian).
20. Demirbaş T. (2009). *Ceza dwarf genel hükümler. seçkin yayincilik*. Ankara: Basi Publication.
21. Nourbah R. (2017). *General penal law*. 18th Ed. Tehran: Nazargan Danesh. (In Persian).